

کارکرد مکان داستان در ارائه عناصر پایداری

(بررسی موردی رمان «ذاکرة الجسد» اثر احلام مستغانمی)

صدیقه زودرنج^{۱*}، ابوذر گلزار خجسته^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

۲. مدرس گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه علمی و کاربردی مرکز اسدآباد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۰۷

چکیده

مکان یکی از عناصر تشکیل دهنده داستان است که در داستان‌های ادب پایداری، نقش مهمی پیدا کرده است؛ چراکه یکی از گسترده‌ترین جلوه‌های ادبیات پایداری سخن از ستم‌هایی است که در برهه‌ای از تاریخ بر سرزمینی رفته است. شناخت جلوه‌های پایداری و چگونگی کارکرد عنصر مکان در ارائه آنها و همچنین ارتباط و اثرگذاری آنها بر یکدیگر در تحلیل داستان‌های پایداری اهمیت زیادی دارد.

نویسندگان رمان‌های پایداری به عنصر مکان توجه ویژه‌ای داشته‌اند و مکان در آثار آنان نقشی برجسته و اثرگذار در حوادث و شخصیت‌ها یافته است. رمان *ذاکرة الجسد* اثر احلام مستغانمی، نویسنده الجزایری (متولد ۱۹۵۳) نیز از انواع مکان بهره برده است. این پژوهش می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی چگونگی کارکرد انواع مکان (باز، بسته، انتقالی و دوگانه) را در ظهور مضامین پایداری ملت الجزایر در این رمان بررسی کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در میان مکان‌های بسته، مکان بسته اجباری (زندان کدیا) و در میان مکان‌های باز، قسنطینه با اماکن مختلف، نقش مهمی در تبیین مضامین پایداری ایفا نموده است. مهم‌ترین کارکرد مکان در داستان *ذاکرة الجسد* ارائه جلوه‌های پایداری است که عبارتند از: وطن دوستی، حفظ یاد و خاطره شهدا و رهبران انقلاب الجزایر و شکنجه‌های وارد شده بر آنان.

کلیدواژه‌ها: پایداری؛ مکان؛ *ذاکرة الجسد*؛ احلام مستغانمی.

۱. مقدمه

مکان یکی از عناصر تشکیل دهنده داستان است. «امروز توصیف مکان و به طور اخص، صحنه از ویژگی‌های اساسی ادبیات داستانی است و این امر در پیشبرد حوادث داستان و توصیف شخصیت‌ها و سایر عناصر، نقش تعیین کننده‌ای دارد» (نبی‌لو، ۱۳۸۹: ۱۱۳). سبب اصلی اهمیت عنصر مکان در داستان مدرن این است که مکان در برخی آثار داستانی برجسته به فضایی تبدیل می‌شود که همه عناصر داستان از جمله حوادث و شخصیت‌ها و روابط میان آنها را در خود جای می‌دهد و به روند شکل‌گیری ساختار داستان کمک می‌کند (اصغری، ۱۳۸۸: ۲)؛ به عبارت دیگر، امروزه مکان در ادبیات داستانی فراتر از یک عنصر و یکی از محورهای اساسی برای تبیین اهداف نویسنده است.

شناخت مضامین پایداری و چگونگی ظهور آن در عنصر مکان و همچنین ارتباط و اثرگذاری این دو بر یکدیگر امری حائز اهمیت است. ادبیات پایداری در ایجاد بیداری و آگاهی در مردم و پاسداشت حریم ارزش‌ها، نقش مهمی ایفا می‌کند (شکری، ۱۳۶۶: ۱۱). نکته قابل تأمل این است که هرچه نقش عنصر مکان در ادبیات پایداری دقیق‌تر تبیین شده باشد، به نوعی نشان‌دهنده فرامکانی بودن این ادبیات نیز هست.

بررسی چگونگی کارکرد انواع مکان در ظهور مضامین پایداری ملت الجزایر و ارتباط بین این دو (پایداری و عنصر مکان) در داستان *ذاکرة الجسد* به عنوان مسئله تحقیق حاضر مطرح است و در همین راستا سؤال‌های زیر طرح می‌گردد:

۱. نویسنده تا چه حد توانسته است از طریق به‌کارگیری انواع مکان، پایداری ملت الجزایر را نشان دهد؟

۲. نقش عنصر مکان در ارائه کدام یک از مضامین پایداری برجسته‌تر بوده است؟

۲. پیشینه پژوهش

از پژوهش‌هایی که درباره رمان *ذاکرة الجسد* انجام شده، می‌توان به این پایان‌نامه‌ها اشاره کرد: (۱) *شعرية النص الروائي في رواية ذاکرة الجسد لأحلام مستغانمي نوشته حامدی سامیه* (باتنه، جامعه الحاج لخضر، ۲۰۰۸) که نویسنده در آن، متن شعرگونه این رمان را از لحاظ ویژگی‌های شعری و

بلاغی ارزیابی کرده و در یکی از فصل‌های مقدماتی، فضای جغرافیایی و مکان‌های موجود در داستان را نیز به عنوان عاملی مؤثر بر عملکرد شخصیت‌ها به‌ویژه شخصیت اصلی (خالد) بررسی نموده‌است. ۲) *بناء الشخصية و المكان في رواية ذاكرة الجسد لأحلام مستغانمي* نوشته فلة قارة و *لبنده لكحل* (جامعه منتوری، قسنطینة، ۲۰۱۱) که نویسندگان در آن، شخصیت‌های رمان را به انواع مختلفی تقسیم نموده و توضیحاتی کلی در مورد ویژگی‌های هر شخصیت مطرح کرده و در عین حال ابعاد گوناگون شخصیت‌های اصلی را هم بررسی کرده‌اند؛ همچنین مکان‌های داستان را به دو نوع (مکان‌های باز و بسته) تقسیم کرده و ویژگی کلی هر مکان و نیز اثر آن بر روی شخصیت اصلی را بررسی نموده‌اند. ۳) *بررسی عناصر داستان در رمان ذاكرة الجسد اثر احلام مستغانمي* از معصومه زندنا. نویسنده این پایان‌نامه نیز پس از معرفی جایگاه و آثار مستغانمی، عناصر بی‌رنگ، شخصیت و شیوه روایی جریان سیال ذهن را در این رمان تحلیل نموده‌است. از میان مقالاتی که در مورد این داستان نوشته شده، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱) «الخطاب الواصف في ثلاثية أحلام مستغانمي؛ ذاكرة الجسد، فوضى الحواس، عابر سریر» (الجزایر، دارالأمّل، ۲۰۱۰) نوشته حسینه فلاح است که نویسنده عنصر توصیف و تکنیک‌های زبانی را در آثار مستغانمی بررسی کرده‌است. ۲) «دراسة سوسيونصية في رواية ذاكرة الجسد لأحلام مستغانمي» نوشته فاطمه اکبری‌زاده و همکاران (مجله دراسات فیاللغة العربية وآدابها، فصلیة محكمة، العدد التاسع عشر) که رمان *ذاکرة الجسد* را از منظر جامعه‌شناسی متن، ارزیابی کرده‌است. ۳) «بررسی سه مؤلفه زمانی نظم، تداوم و بسامد در رمان *ذاکرة الجسد* اثر احلام مستغانمي (بر اساس نظریه زمان روایی ژرار ژنت)» نوشته علی‌اصغر حبیبی (مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۰، ۱۳۹۲) این رمان را از نظر زمان روایی بررسی کرده‌است. ۴) «الشخصیات النسائية في رواية أحلام مستغانمي؛ ذاكرة الجسد» نوشته حسناء بوزویته *الطرابلسی* (مجله ثقافات، ۲۰۰۵، شماره: ۱۳: صص ۱۲۰-۱۱۳) که در آن، شخصیت‌های زن داستان به‌ویژه «أحلام»، شخصیت اصلی زن، از ابعاد مختلف بررسی شده‌است. ۵) «بنية المدة الزمنية في رواية ذاكرة الجسد لاحلام مستغانمي» نوشته رابح الأطرش (مجله العلوم الانسانية: جامعه محمد خیضر، ۲۰۱۳، شماره ۳۰-۳۱: صص ۲۷۹-۳۰۱) که این مقاله نیز به بررسی زمان روایی در این رمان می‌پردازد. ۶) «دلالة الرمز في رواية ذاكرة الجسد لاحلام مستغانمي» اثر حوریه زروقی (مجله

مقالید، ۲۰۱۳، شماره ۴: صص ۱۱۱-۱۰۳). نویسنده در این مقاله با بررسی برخی از نمادها و رمزهای داستان، به کارکردهای رمز و دلالت‌های آن در مسائلی چون آداب‌ورسوم و غیره و نیز به طور خلاصه به جایگاه مثل و اسطوره در این رمان می‌پردازد.

در میان پژوهش‌های انجام‌شده در مورد رمان *ذاکرة الجسد*، تنها در بخش‌هایی از دو پایان‌نامه نخست، به عنصر مکان در این رمان پرداخته شده‌است. البته در هیچ‌یک از این دو، کارکرد عنصر مکان و انواع آن در ارائه عناصر پایداری ملت الجزایر در *ذاکرة الجسد* بررسی نشده‌است - اگرچه اشاراتی در این مورد می‌توان یافت - بنابراین می‌توان گفت این پژوهش، برای نخستین بار به بررسی این موضوع به طور منسجم در رمان یادشده می‌پردازد.

۳. پایداری در ادبیات الجزایر

ادبیات پایداری هر ملتی نشان از ستم‌هایی دارد که بر مردم آن سرزمین رفته‌است، و درعین‌حال نشان‌دهنده مقاومت و استواری ملت در برابر استعمار است.

در سال ۱۸۳۰ فرانسه برای توسعه مستعمرات افریقایی خود به الجزایر حمله کرد. فرانسوی‌ها ادعا می‌کردند که برای رهاسازی الجزایر از سلطه عثمانی‌ها و برقراری دموکراسی به این کشور آمده‌اند؛ اما این ادعا، مردم مسلمان الجزایر را فریب نداد و از همان آغاز تجاوز، هسته‌های مقاومت مسلحانه مردمی تشکیل، و جهاد بر ضد نیروهای اشغالگر آغاز شد (قادری، ۱۳۸۹: ۳۸). در سال ۱۹۴۵، این کشور شاهد خشن‌ترین شکل استعمار بود؛ چراکه حکومت فرانسوی هزاران تظاهرکننده را در شهر سطیف قتل‌عام کرد و تمام جمعیت‌های ملی را منحل نمود (مؤید، بی‌تا: ۲۳).

در این اثنا، ادبای الجزایر به محکوم نمودن اشغالگران پرداختند. در ابتدا، روی سخن آنها با حاکمان ستمکار بود؛ اما به تدریج، ملت را به مبارزه برای حفظ موجودیت ملی خود فراخواندند و از این زمان ادبیات، شکل مقاومت به خود گرفت و عهده‌دار بیدارسازی ملت گردید (قادری، ۱۳۸۹: ۱۱۲). انقلاب سال ۱۹۴۵ تأثیر عمیقی بر ادبیات گذاشت. از این تاریخ، ادبا و نویسندگان، مردم را به مبارزه فراخوانده و با انقلابیون همگام شدند (شرف، ۱۹۹۱: ۱۳۰). در نهایت ارتش فرانسه در جنگ به پیروزی رسید، ولی اوضاع به شکلی پیش رفته بود که دیگر نمی‌شد جلوی استقلال الجزایر را گرفت. رخدادهای این جنگ آسیب‌هایی را به هر دو کشور

وارد کرد. سرانجام در سال ۱۹۶۲ پس از برگزاری یک همه‌پرسی که به پیشنهاد شارل دوگل^(۱) صورت گرفت، الجزایر به استقلال دست یافت (خاورشناسان شوروی، ۱۳۵۶: ۳۷). در تمام مراحل یادشده، نقش ادبا و تحول در ادبیات، به‌وضوح به چشم می‌خورد.

۴. معرفی و خلاصه رمان ذاکرة الجسد

رمان ذاکرة الجسد نخستین بار در سال ۱۹۹۳ در بیروت چاپ شده‌است و ۴۰۶ صفحه دارد. این داستان، یکی از برجسته‌ترین رمان‌های احلام مستغانمی، شاعر و نویسنده معاصر الجزایری (متولد ۱۹۵۳) است. وی فرزند رهبر بزرگ قیام الجزایر، محمد شریف مستغانمی است که در دوران مبارزات پدر، بارها تجربه زندان رفتن او و تنهایی را داشته‌است. این مسائل از وی چهره شاعری حماسی خلق کرد که تا سال‌ها در شعرش نمود داشت. از او مجموعه شعر، داستان و کتاب‌های مستند تاریخی نیز درباره نبرد الجزایر منتشر شده‌است (روحی فیصل، ۱۹۹۵: ۲۲).

در ذاکرة الجسد موضوع جنگ الجزایر و استقلال این کشور از دست استعمار فرانسه مطرح می‌گردد و نویسنده به موازات آن، داستانی عاطفی را نیز روایت می‌کند. تاکنون جوایز ارزنده‌ای به این رمان اهدا شده که جایزه «نجیب محفوظ» در دانشگاه امریکایی قاهره موسوم به «گنکور عربی» در سال ۱۹۹۸، همچنین جایزه «نور» (برترین اثر ادبی زنانه در جهان عرب) در سال ۱۹۹۶ از جمله آنهاست. ذاکرة الجسد به زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی، چینی و کردی ترجمه شده‌است. ترجمه فارسی آن با عنوان «خاطرات تن» با ترجمه رضا عامری در انتشارات /فراز به چاپ رسیده‌است.

داستان شامل شش فصل است. شخصیت اصلی داستان، خالد، یکی از رزمندگان الجزایری است که در جریان تظاهرات علیه استعمارگران مجروح می‌شود؛ اما دوست و فرمانده وی، طاهر، به شهادت می‌رسد. خالد بعد از آنکه مجروح می‌شود، برای مداوا به بیمارستان حبیب ثامر در تونس می‌رود و در آنجا پزشکان، دست وی را قطع می‌کنند. به دنبال این قضیه به فرانسه سفر می‌کند تا به هنر نقاشی ادامه دهد. یک روز، احلام (دختر طاهر) – که خالد به او عشق می‌ورزد – در پاریس به نمایشگاه نقاشی وی می‌آید و پس از این دیدار، آن دو چند بار دیگر هم با یکدیگر ملاقات می‌کنند. تمامی رویدادهای مهم از جمله تظاهرات، دوران جنگ،

دوستی خالد با طاهر، عشق او به دختر طاهر و... در قالب خاطرات به وسیله خالد برای احلام (حیاء) و یا به صورت تک‌گویی خالد بیان می‌شود.

۵. نقش مکان در داستان

در داستان‌های امروزی، مکان نقش مهمی ایفا می‌نماید؛ چراکه «مکان داستان، محیطی اجتماعی و مکانی خاص برای زندگی اشخاص داستانی است که چنانچه از صحنه‌پردازی مناسبی بهره برده باشد، می‌تواند رفتار اشخاص داستان و اهمیت کنش آنان را در نظر خواننده قابل درک سازد» (حری، ۱۳۸۸: ۱۳۶). «مکان یکی از دو تمهید اصلی تعیین موقعیت است که مؤلفان به خدمت می‌گیرند (دیگری زمان است). مخاطبان می‌آموزند که معنای صحنه‌ها را درک کنند. کنش‌ها و فعالیت‌های معینی، تنها در صحنه‌های خاصی صورت می‌گیرند: عمل جراحی به بیمارستان نیاز دارد. محاکمه، دادگاه لازم دارد و...» (آسابرگر، ۱۳۸۰: ۸۳).

مکان یکی از مهم‌ترین ارکان داستان به شمار می‌رود. حوادث و شخصیت‌ها در مکان جریان دارند و مکان به نوعی آنها را در خود جای داده‌است (محبک، ۲۰۰۱: ۱۴۷). مکان در داستان باید عامل و پویا و به نوعی سازنده آن باشد؛ خواه مکانی ثابت باشد یا متحرک، آشکار یا پنهان (الدیمی، ۱۹۹۹: ۱۱۵). با توصیف مکان، زمینه برای تشریح ماهیت و ویژگی‌های شخصیت‌ها نیز فراهم می‌شود و بدین ترتیب، مکان به تعبیرات مجازی از شخصیت مبدل می‌شود (ولک، ۱۳۷۳: ۲۸۸).

بنابراین مکان، در روند شکل‌گیری و ساختار داستان، ماهیت شخصیت‌های داستانی و روابط آنها و نگرش‌های مختلف که فضای داستانی را می‌سازد، نقش دارد (بحراوی، ۱۹۹۰: ۳۲). مکان دارای انواع متعددی است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مکان بسته اجباری، مکان بسته اختیاری، مکان باز، مکان انتقالی و مکان‌های دوگانه اشاره نمود (عبیدی، ۲۰۱۱: ۲۰-۳۲).

بنابراین مکان داستان باید به گونه‌ای طراحی شده باشد که گنجایش پردازش شخصیت‌ها، تبیین نگرش آنها، طراحی بافت داستان، پیشبرد حوادث، دیدگاه‌های راوی، طرح‌ریزی گفت‌وگوها و پرورش درون‌مایه را داشته باشد و درعین‌حال، فضای حاکم بر عمل داستانی را نیز نشان دهد.

۶. تحلیل و پردازش موضوع

۶-۱. کارکرد انواع مکان‌های رمان «ذاکرة الجسد» در تبیین عناصر پایداری

۶-۱-۱. مکان بسته

مکان بسته جایی است که مساحت و اندازه آن مشخص شده‌است؛ مثل خانه، قصر و یا زندان که مکانی بسته و اجباری و همراه با رنج روحی و جسمی است و یا قهوه‌خانه‌ها که مکان‌هایی بسته و محل آرامش و آسایش مردم به شمار می‌روند (عبیدی، ۲۰۱۱: ۱۴۴). نویسندگان غالباً چهارچوب حوادث و شخصیت‌های داستان را در آن بنا می‌نهند (جیلله، ۲۰۱۰: ۲۰۴). این نوع مکان، خود به دو نوع اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود:

۶-۱-۱-۱. مکان بسته اجباری

مکان بسته اجباری شامل مساحت مشخص و محدود و همراه با عذاب روحی و جسمی است (روحی الفیصل، ۱۹۹۴: ۶۰)؛ مانند زندان یا اقامتگاه‌های اجباری که بر افراد تحمیل می‌شود و همواره از عالم بیرونی جداست. زندان و اجزای آن به عنوان مهم‌ترین مکان بسته اجباری، به چند دسته زندان سیاسی، اصلاحی و... تقسیم می‌شود که مقصود از آن در رمان ذاکرة الجسد غالباً زندان سیاسی است که میشل فوکو آن را این‌گونه تعبیر می‌نماید: زندان سیاسی مکانی است که حاکمان مخالفان خود را در آن گرد می‌آورند (فوکو، ۱۹۹۰: ۲۴۸).

زندان کدیا در قسنطینه، زندانی بود که فرانسویان، مردم انقلابی و دیگر اقشار مردم الجزایر را از هر سن و سالی در آن می‌افکندند (قارة و لکحل، ۲۰۱۱: ۷۲). در ۸ می ۱۹۴۵، دولت فرانسه تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را در شهرهای قسنطینه و سطیف قتل عام کرد (مؤید، بی‌تا: ۲۳). ملت الجزایر در طی ۱۷ سال انقلاب خود (۱۹۴۵-۱۹۶۲) یک میلیون قربانی داد و در تاریخ کشورهای عرب و شمال آفریقا، به «ارض میلیون شهید» معروف شد (histori.rozblog.com). در اشاره به همین حادثه، نویسنده از زبان خالد، شخصیت اصلی داستان که خود از مجاهدان الجزایری است، با به‌کارگیری مکان بسته اجباری (زندان کدیا) زندانی شدن پنجاه هزار نفر از مردم الجزایر را به خاطر پایداری و دفاع از میهن چنین به تصویر می‌کشد:

«كان سجئ الكدیا جزءاً من ذاکرتی الأولى النی لن تمحوها الأيام. ها می
الذاکرة تتوقف أمامه و تُرغم قدامی علی الوقوف، فأدخله من جدید كما دخلته

ذات یوم من سنة ۱۹۴۵ مع خمسين ألف سجين ألقى عليهم القبض بعد
مظاهرات ۸ ماى الحزينة الذكر»^(۲)

(مستغانمی، ۲۰۰۰: ۳۱۹)

دلیل ماندگاری این خاطره در ذهن خالد این است که وی در سن نوجوانی و برای نخستین بار به دلیل مبارزه با استعمار وارد زندان شده بود؛ اما نه تنها اراده‌اش سست نشده بلکه به یک مبارز شجاع تبدیل شده بود (قاره و لکحل، ۲۰۱۱: ۷۲).

زندان به سلول‌های انفرادی و اتاق‌های شکنجه‌ای تقسیم می‌شد که صدای فریاد و خشم از آنها بلند بود. مستغانمی در جریان گفت‌وگوی خالد با دختر طاهر، شکنجه شدن رزمندگان مقاومت در سلول‌های انفرادی را نشان می‌دهد:

«و هنالك صوت عبدالکریم بن وطاف الذی كانت صرخات تعذیه تصل حتى
زنايتنا، خنجراً يخرق جسدنا ايضاً و يبعث فيه الشحنات الكهربائية نفسها...»^(۳)
(همان: ۳۲۰)

پاسداشت یاد و خاطره رزمندگان و رهبران مقاومت به عنوان یکی از عناصر پایداری در داستان **ذاکرة الجسد**، نشان از ارتباط مستحکم میان مکان بسته اجباری (سلول انفرادی و شکنجه‌های صورت گرفته در آن) و مقاومت دارد:

«فى الزناينة رقم ۸۰۰ المعده لانتظار الموت. كان ثلاثون من قادة الثورة و رجالها
الأوائل، ينتظرون موثقين، تنفيذ الحكم بالاعدام عليهم، بينهم مصطفى بن بولعيد
والطاهر الزبيرى و محمد لايفنا وإبراهيم الطيب و باجى مختار وآخرون»^(۴)
(همان: ۳۲۳)

چنان‌که ملاحظه شد، مکان بسته اجباری (زندان، اتاق شکنجه و سلول انفرادی) نقش مهمی در نشان دادن استقامت مردم و رهبران انقلاب برای مبارزه با استعمارگران داشته‌است.

۲-۱-۱-۶. مکان بسته اختیاری

مکان بسته اختیاری یکی دیگر از انواع مکان است که کارکرد روشنی در ارائه مضامین پایداری در این رمان دارد. طبق نظر ناقدان، در این نوع مکان، صفاتی چون انس، عاطفه، صمیمیت و آرامش جریان دارد و افراد در آن بدون هیچ مشکلی در حال فعالیت هستند. خانه، مسجد،

کتابخانه و... از همین دسته‌اند (عبیدی، ۲۰۱۱: ۴۷). بیمارستان یکی از مکان‌های بسته‌اختیاری است و بنا به کارکرد و وظیفه‌ای که بر عهده دارد، آنچه را که سایر مکان‌ها در وجود انسان ستم‌دیده ویران نموده‌اند، ترمیم می‌نماید (جبیله، ۲۰۱۰: ۲۳۸).

در رمان یادشده، نویسنده با به‌کارگیری مکان بیمارستان، به معالجه مبارزانی اشاره دارد که در جریان تظاهرات به دست فرانسوی‌ها مجروح و به بیمارستان تونس منتقل شده بودند:

«إنَّهَا الْجَمَلَةُ الَّتِي قَالَهَا لِي ذَلِكَ الطَّيِّبُ الْيَوْعْسَلَاوِي الَّذِي قَدِمَ مَعَ بَعْضِ الْأَطْبَاءِ مِنَ الدَّوَلِ الْإِسْتِرَاكِيَّةِ إِلَى تُونِسِ (مستشفى حبيب ثامر)، لمعالجة الجرحى الجزائريين، و الَّذِي أَشْرَفَ عَلَى عَمَلِيَّةِ بَتْر ذِرَاعِي وَ ظَلَّ يَتَابَعُ تَطَوُّرَاتِي الصَّحِّيَّةِ وَ النَّفْسِيَّةِ فِيمَا بَعْدَ»^(۵)

(مستغانمی: ۵۹)

در نمونه بالا، نویسنده علاوه بر بیان جانبازی و فداکاری مردم انقلابی در راه حفظ وطن، با اشاره به کمک‌های تونس به الجزایر، اتحاد کشورهای اسلامی در مبارزه با استعمار و نیز انسان‌دوستی سایر کشورها را نیز به نمایش گذاشته و بیمارستان را مکانی برای تأمین امنیت جسمی و روانی بیماران به تصویر کشیده‌است.

علاوه بر بیمارستان، نویسنده با استفاده از مکان بسته‌اختیاری (نمایشگاه)، توصیفی از واقعیت (به عنوان یکی از جلوه‌های پایداری) بیان نموده‌است:

«مَاذَا يُمْكِنُ أَنْ يَقْدَمَ مَعْرُضَ اللَّوْحَاتِ الْفَنِّيَّةِ مِنْ مَتَعَةٍ أَوْ تَرْفِيهِ لِلْمَوَاطِنِ الْجَزَائِرِيِّ الَّذِي يَعْيشُ عَلَى وَشَكِ الْإِنْفِجَارِ، بَلِ الْإِنْتِحَارِ، وَ لَا وَقْتَ لَهُ لِلتَّمَلُّقِ أَوْ التَّدْوِقِ»^(۶)

(همان: ۱۸۰)

نویسنده در این نمونه، از اوضاع مردم در زمان پس از جنگ نیز پرده برداشته؛ به‌طوری‌که مردم دارای روحیه‌ای به‌شدت ضعیف و نومید از زندگی توصیف شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که برپایی نمایشگاه آثار هنری و تابلوهای نفیس که معمولاً محل ایجاد آرامش و فراغت بال است، برای آنها جذابیت ندارد و نمی‌تواند درون آشفته این مردم را آرام سازد. بازتاب اوضاع عمومی در جریان مقاومت در برابر استعمار و دوره پس از آن، نشان از توانایی و زبردستی نویسنده در ارائه واقعیت‌های موجود و توانایی او برای انعکاس حقایق دارد. از سوی دیگر، این مسئله تاحدی نشان از آن دارد که ملت الجزایر با وجود جان‌فشانی‌های فراوان، پس از رسیدن به پیروزی و استقلال، اهداف خود را کاملاً تحقق‌یافته نمی‌دیدند؛ چراکه بعد از استقلال، عده‌ای

خاص، امور را به دست گرفته و دیگران از عرصه کنار زده شدند. تک‌گویی خالد هنگامی که پس از سی و چند سال، از مقابل زندان کدیا عبور می‌کند، نشان‌دهنده همین امر است. وی که از مجاهدان و جانبازان زمان جنگ است، با یادآوری دوران مبارزه و مشاهده اوضاع پس از استقلال و بی‌عدالتی‌ها و سوءاستفاده‌های موجود در آن، نارضایتی خود از وضعیت کنونی را چنین بیان می‌کند:

«فی زمنٍ ما، کُنَّا نُردُّ هذا النشیدَ فی سجن قسنطینة... هل بُحَّ صوتنا الیوم؟ أم أصبح هناك صوت یعلو علی الجمیع مُذ أصبح هذا الوطنُ لبعضنا فقط؟»^(۷)

(همان، ۳۱۹)

۲-۱-۶. مکان باز

مکان باز، مکان‌های غیرپوشیده‌ای را شامل می‌شود که به گفته ناقدان مساحتی نامعلوم (مانند شهر، دریا، صحرا) یا مساحتی متوسط (مانند کوچه و خیابان) و یا مساحتی کوچک (مانند باغچه و حیاط) دارند (عبیدی، ۲۰۱۱: ۷۵).

مکان باز در داستان *ذاکرة الجسد* جایگاه گسترده‌ای دارد، به‌ویژه «قسنطینه، مکانی که بسیار مورد توجه نویسنده بوده است...» (سامیه، ۲۰۰۸: ۹۹). یکی از ناقدان به نام *عمار زعموش* نیز معتقد است که «قسنطینه مکان محوری حوادث داستان به شمار می‌رود...» (مفقوده، ۲۰۰۰). مستغانمی علاوه بر حفظ یاد و خاطره «سی شریف» (سید شریف پدر احلام مستغانمی، از رهبران انقلاب الجزایر) و «سی طاهر» (سید طاهر) دو رزمنده مقاومت و اشاره به جان‌نثاری‌های آنان در راه حفظ وطن، از مکان‌های باز (قسنطینه و الجزایر) به عنوان نماد پایداری، اصالت، هوشمندی و استعمارستیزی سخن گفته است:

«كنت أحبُّ سی الشریف. کان فیہ شیءٌ من هیبة قسنطینة و حضورها، شیءٌ من

الجزائر العریقة و ذاکرتها، شیءٌ من سی الطاهر»^(۸)

(مستغانمی، ۲۰۰۰: ۲۳۲)

جنگل‌ها، تپه‌ها و گذرگاه‌های سرّی که شهر قسنطینه را احاطه کرده بود، مکان‌های امنی برای مبارزان به شمار می‌رفت؛ به‌ویژه جنگل که «از نمادهای مبارزه‌طلبی و غلبه بر استعمار است» (قارة و لکحل، ۲۰۱۱: ۸۴). اما به نظر می‌رسد نویسنده به دلیل اطلاعات اندک، آن گونه که باید، به کارکردهای این مکان‌های باز (جنگل و تپه و...) که جزء اولین و سخت‌ترین

صحنه‌های مخاطره‌آمیز برای شخصیت اصلی (خالد) بوده، به‌طور دقیق و جزئی پرداخته‌است (مفقوده، ۲۰۰۰: ۲۴۵). البته وی با اشاره به این مکان‌های باز و برخی مکان‌های انتقالی همچون گذرگاه‌های مخفی و زیرزمینی شهر قسنطینه و جان‌بخشی به آنها، سبقت گرفتن این اماکن برای پیوستن به صفوف انقلاب را نشانگر علاقه تمام سرزمین الجزایر به پایداری دانسته‌است.

«تَمْتَدُ أَمَامِي غَابَاتُ الْغَارِ وَالْبَلُوطِ، وَ تَنْخَفُ نَحْوِي قَسَنْطِينَةُ مَلْتَحَفَةً مَلَاءَتْهَا الْقَدِيمَةَ،
وَكُلُّ تِلْكَ الْأُدْغَالِ وَالْجُرْفِ وَالْمَمْرَاتِ السَّرِيَّةِ الَّتِي كُنْتُ يَوْمًا أَعْرِفُهَا وَالَّتِي كَانَتْ تَحِيطُ
بِهَذِهِ الْمَدِينَةِ كَحِزَامِ أَمَانٍ، فَتَوْصِلُكَ مَسَالِكُهَا الْمَشْتَعِبَةَ، وَغَابَاتُهَا الْكَثِيفَةَ، إِلَى الْقَوَاعِدِ
السَّرِيَّةِ لِلْمُجَاهِدِينَ... إِنَّ كُلَّ الطَّرِيقِ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ الْعَرَبِيَّةِ الْعَرِيقَةِ، تَوْدِي إِلَى
الصَّمُودِ. وَ إِنَّ كُلَّ الْغَابَاتِ وَالصَّخُورِ هُنَا سَبَقَتْكَ فِي الْإِنْخِرَاطِ فِي صَفُوفِ الثَّوْرَةِ»^(۹)
(همان: ۲۵)

چنان‌که مشاهده می‌شود، نویسنده به‌طور کلی و با ترسیم یک دورنما از مکان‌های باز، استقامت قسنطینه را یادآور شده و بیشه‌ها و تپه‌ها و گذرگاه‌های سری آن را فضاها و مسیرهایی می‌داند که به ایستادگی و مقاومت ختم می‌شوند.

از سوی دیگر خالد در طی گفت‌وگو با زیاد (دوست خالد که او نیز به احلام علاقه‌مند است) از خیابانی که به نام پدر احلام یعنی طاهر عبد المولی نام‌گذاری شده، سخن به میان می‌آورد تا کارکرد مکان باز را در ستایش و حفظ نام شهیدان نشان دهد:

«أَنْتَ لَمْ تَقْرَأْ هَذَا الْأَسْمَ وَ إِنَّمَا سَمِعْتَهُ فَقَط. إِنَّهُ اسْمٌ لِشَارِعٍ فِي الْجَزَائِرِ يَحْمَلُ اسْمَ
أَبِيهَا (الطَّاهِرِ عَبْدِ الْمَوْلَى) الَّذِي اسْتُشْهِدَ أُنْثَاءَ الثَّوْرَةِ»^(۱۰)

(همان: ۲۰۴)

۳-۱-۶. مکان انتقالی

مسیر یا مکان انتقالی که در عربی بدان «مسار» گفته می‌شود، مکانی است که جایی را به مکان‌های دیگر مرتبط می‌کند (هلسا، ۱۹۸۹: ۵۹). گاهی مکان‌های انتقال در شهر، خیابان‌ها و کوچه‌های آن هستند که نقاط مختلف شهر را به هم وصل می‌کنند و در زندان نیز راهروها و راه‌های ارتباطی بین آن، مکان انتقالی محسوب می‌شود. شاکر نابلسی از این نوع مکان به رگ‌های بدن تعبیر می‌نماید که خون را از «خیابان» (مسارات) به «میدان» (مصوب) می‌رساند (النابلسی، ۱۹۹۴: ۵۷).

مکان انتقالی در ارائه عناصر پایداری در *ذاکرة الجسد* نقش مهمی ایفا کرده است. احلام مستغانمی با بهره‌گیری از مکان انتقالی (گذرگاه مخفی) در زندان، زمانی را که زندانی‌های انقلابی سعی در حفر گذرگاه به خاطر فراری دادن رهبر انقلابی خود *مصطفی بن بوالعید* داشته‌اند، در میان خاطرات خالد تشریح نموده است:

«كَانَ كُلُّ شَيْءٍ مُّعَدًّا لِلْمَوْتِ يَوْمَها، حَتَّىٰ أَنَّ خَلَّاقَ مَسَاجِنِ الْحَقِّ الْعَامِ، أَخْبَرَ الشَّهِيدَ الْقَائِدَ مِصْطَفَىٰ بِنِ بَوَالْعَيْدِ فِي الصَّبَاحِ، أَنَّهُمْ غَسَلُوا الْمُفْصَلَةَ بِالْأَمْسِ، وَأَنَّهُ حَلِمَ أَنَّهُمْ نَفَدُوا. وَكَانَتْ هَذِهِ الْكَلِمَةُ تَحْمَلُ مَعْنِيَيْنِ بِالنِّسْبَةِ لِمِصْطَفَىٰ بِنِ بَوَالْعَيْدِ، الَّذِي كَانَ يُعَدُّ مِنْذُ أَيَّامِ خَطَّةِ لِلْهَرَبِ مِنَ الْكُذْبَانِ. وَكَانَ شَرَعَ مَعَ رِفَاقِهِ مِنْذُ عَدَّةِ أَيَّامٍ، فِي حَفْرِ مَمْرٍ سَرِيٍّ تَحْتَ الْأَرْضِ، أَوْصَبَهُمْ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَىٰ إِلَىٰ سَاحَةِ مُغْلَقَةٍ دَاخِلِ السِّجْنِ. فَأَعَادُوا الْحَفْرَ مِنْ جَدِيدٍ، لِيَصِلُوا بَعْدَ ذَلِكَ إِلَىٰ خَارِجِ السِّجْنِ»^(۱۱)

(مستغانمی، ۲۰۰۰: ۳۲۳)

گذرگاهی که نویسنده آن را توصیف نموده، به رگ‌های بدن می‌ماند که وظیفه خون‌رسانی به اعضا را بر عهده دارد و آنها را به یکدیگر متصل می‌نماید (داخل زندان را به میدان و میدان را به بیرون زندان وصل کرده است). سخن گفتن از این مکان انتقال و رهبر انقلابی، نشان از توجه نویسنده به مقوله مکان و مهم‌تر از آن، پایداری رهبران انقلاب دارد تا جایی که خود آنها سعی در ایجاد این مسیر انتقالی دارند تا از طریق آن، به دنیای بیرون از زندان منتقل شوند و به مبارزه و مقاومت ادامه دهند.

در *ذاکرة الجسد* مکان نمی‌تواند از روح روایت جدا شود یا از نقش اثرگذار خود در شخصیت‌ها شانه خالی کند؛ بلکه بر آنها تسلط دارد و مسیر و سرنوشت آنان را در طی روایت تعیین می‌نماید (سامیه، ۲۰۰۸: ۱۰۶).

در این رمان، توصیف مکان هم در روایت و هم در گفت‌وگو با قوت خاصی جریان دارد. برای نمونه مستغانمی با توصیف «پل سیدی راشد» از زبان خالد، که از جمله مکان‌های باز و درعین حال انتقالی است، علاوه بر اشاره به تظاهرات ضداستعماری و یادآوری این حادثه و سعی در زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره آن، موقعیت خاص این پل، ختم شدن راه‌ها به آن، تنظیم و طراحی تظاهرات به وسیله یکی از رزمندگان مقاومت، بر روی پل مذکور و گرفتار و زندانی شدن وی به خاطر همین مسئله را توصیف نموده است:

«عندما انطلقت تلك المظاهرة من فوق جسر (سیدی راشد) كما خطَّط لها بلال
 لأسباب تكتيكية، يسهل معها تجتمع المتظاهرين ثم تبعثرهم من كلِّ الطرقات المؤدية
 للجسر، أدهشت القوّات الفرنسيّة بدقّتها ونظامها غير المتوقع. وكان بلال أول من
 ألقى القبض عليه يومها ولم يمُت بلال حسين كغيره. قضى سنتين في السجن
 والتعذيب...»^(۱۲)

(مستغانمی، ۲۰۰۰: ۳۲۱)

۴-۱-۶. مکان‌های دوگانه (الجزایر و زندان)

مکان‌های دوگانه همواره به صورت متضاد و مقابل هم در ادبیات به کار نمی‌روند؛ اما
 بیشترین کاربرد آنها به صورت متضاد «باز و بسته» است (عبیدی، ۲۰۱۱: ۱۶۱). تضاد در
 مکان، فقط شامل مکان‌های محسوس در داستان نیست بلکه مکان‌های غیرحسی از جمله
 «خارج و داخل»، «بالا و پایین» و... را نیز دربرمی‌گیرد (جماعة من الباحثين، ۱۹۸۸: ۶۳). اماکن
 انتقال، نقش بارزی در اتصال مکان‌های دوگانه به یکدیگر ایفا می‌کنند.
 به‌طور کلی، زندان و الجزایر (اعم از قسنطینه و دیگر شهرها) در رمان *ذاکرة الجسد* به
 عنوان دو مکان بسته اجباری و باز (زندان مصدر ترس و نگرانی و الجزایر رمز پایداری و
 آزادی) مکان‌های دوگانه در داستان به شمار می‌روند که نویسنده به‌وفور از آنها استفاده
 نموده‌است. مستغانمی در خلال گفت‌وگوی خالد با دختر طاهر، اشاره به زندانیان انقلابی
 می‌کند که در جریان مبارزه با استعمار، زندانی و سپس در سلول‌های انفرادی حبس شده و
 به خاطر شکست در فرار از زندان کُدیبا، محکوم به اعدام شده‌اند:

«بينما نُفِّدَ حكمُ الإعدام، في من ظلُّوا بالزَّناية، دون أن يَمَكَّنوا مِنَ الهروب. ولم يبقَ اليوم
 من السُّجناءِ الأَحَدِ عَشَرَ الذين هربوا مِنَ الكُديبا، سوى اثنينِ على قيدِ الحياة»^(۱۳)

(مستغانمی، ۲۰۰۰: ۳۲۴)

در این نمونه، به‌طور ضمنی و تلویحی، زندان به عنوان مکان سلب آزادی، در برابر فضای
 بیرون که محل زندگی و آزادی عمل است، قرار گرفته و تضاد این دو، به‌خوبی ترسیم
 شده‌است؛ چراکه رزمندگان برای رسیدن به اهداف خود، سعی در فرار از زندان و رساندن
 خود به دنیای خارج از آن دارند.

چنان‌که گفته شد، در انقلاب سال ۱۹۴۵ در الجزایر هزاران تن از مردم قسنطینه، سطیف، قالمه و خراطه به شهادت رسیدند؛ بنابراین این اماکن (باز) همواره نماد ایستادگی بوده‌اند و پیوسته در تقابل با زندان (مکان بسته اجباری) قرار داشته‌اند. خالد به عنوان رزمندهٔ زمان جنگ، در خاطرات خود چنین بیان می‌کند:

«وَأَلْتَقَى بَعْدَ ۳۷ سَنَةً مَعَ جَدْرَانٍ سَجَنٍ كُنْتُ يَوْمًا أَرَاهَا مِنَ الدَّاخِلِ»^(۱۴)

(همان: ۳۱۹)

سپس می‌گوید:

«خَمْسَةٌ وَأَرْبَعُونَ أَلْفَ شَهِيدٍ سَقَطُوا فِي مَظَاهِرَةِ هَزَّتِ الشَّرْقَ الْجَزَائِرِيَّ كُلَّهُ بَيْنَ

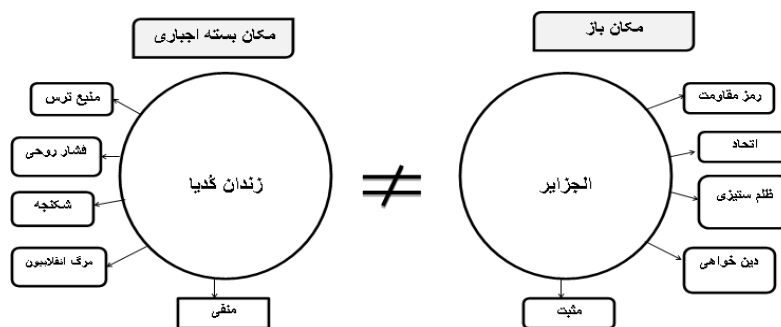
قَسَنْطِينَةَ وَسَطِيفٍ وَقَالِمَةَ وَخَرَاتَةَ»^(۱۵)

(همان: ۳۱۹)

بنابراین تقابل دو مکان بسته اجباری و باز، نقش مهمی در ترسیم عناصر پایداری از جمله فداکاری انقلابیان، شکنجه و زندانی شدن آنها و به شهادت رسیدنشان در راه آزادسازی وطن داشته‌است. گفتنی است غالب مکان‌های دارای کارکرد مقاومتی اعم از باز، بسته، انتقالی و دوگانه - که بدان‌ها اشاره شد - مکان‌هایی برگرفته از واقعیت هستند. در ادامه خلاصه کارکرد مکان در رمان ذاکرة الجسد در جدول‌های زیر بیان می‌شود. نخست الجزایر و شهرهای آن به‌ویژه قسنطینه به عنوان مکان باز و زندان کُدیبا به عنوان مکان بسته اجباری - به دلیل گستردگی فراوانی - با دلالت‌های مقاومتی‌شان؛ و سپس انواع مکان و دلالت‌های مقاومتی آنها در جدول‌های زیر بررسی شده‌است.

جدول شمارهٔ ۱. تقابل و رویارویی مکان دوگانه «الجزایر (قسنطینه و

دیگر شهرها) و زندان کُدیبا» در داستان ذاکرة الجسد



جدول شماره ۲. انواع مکان و دلالت‌های مقاومتی آنها در رمان ذاکرة الجسد

نام مکان	نوع مکان	دلالت مقاومتی
زندان کُديا	بسته اجباری	شکنجه انقلابیان
بیمارستان حبیب ثامر	بسته اختیاری	معالجه رزمندگان
الجزایر و شهر قسنطینه	باز	رمز پایداری
خیابان	باز	مبارزات ملت و حفظ نام و یاد شهیدان
جنگل و تپه	باز	مکان حفاظتی
پل سیدی راشد	باز و انتقالی	مکان تجمع تظاهرکنندگان
گذرگاه مخفی زندان کُديا	انتقالی	ارتباط اسیران انقلابی با بیرون
گذرگاه‌های مخفی و زیرزمینی قسنطینه	انتقالی	ارتباط مجاهدان با پایگاه‌های مخفی مقاومت
زندان قسنطینه و الجزایر	دوگانه	محدودیت و آزادی عمل

۷. نتیجه‌گیری

□ مکان در رمان ذاکرة الجسد عنصری فعال و پویا به شمار می‌رود و کارکرد مهمی در ارائه مضامین پایداری ملت مبارز الجزایر در برابر اشغال و استعمار دارد.

□ مکان بسته اجباری و مصداق بارزش، زندان کُديا و زیرمجموعه‌های آن (اتاق‌های شکنجه و سلول‌های انفرادی) نقش بسیار مهمی در نشان دادن استقامت و پایداری مردم و رهبران انقلاب و نیز شکنجه‌های وارد شده بر آنان داشته‌است؛ تا جایی که می‌توان گفت: میان مکان بسته اجباری و عناصر پایداری فوق، ارتباط مستقیم وجود دارد.

□ در میان مکان‌های بسته اختیاری، بیمارستان در ارائه مضامینی چون جانبازی‌ها و ازخودگذشتگی‌های رزمندگان و نیز نشان دادن اتحاد کشورهای اسلامی (تونس و الجزایر) و کمک‌های انسان دوستانه به مجروحان جنگی الجزایر به وسیله پزشکان تونس و دیگر کشورها، کارکرد مناسبی داشته‌است و به عنوان مکانی برای برگرداندن آرامش جسمی و روحی رزمندگان ایفای نقش نموده‌است؛ اما دیگر مکان بسته اختیاری (نمایشگاه تابلوهای هنری) نقشی در ارائه مضامین پایداری ندارد؛ چراکه هنرمند در ترسیم آنها - با توجه به اوضاع جامعه و دیدگاه مردم پس از استقلال - به موضوعات پایداری و جهاد نپرداخته‌است؛ اگرچه این هنرمند (خالد) از رزمندگان و مجاهدان دوره جنگ بوده‌است.

□ مکان‌های باز از جمله الجزایر و شهرهای آن به‌ویژه قسنطینه (رمز پایداری) با خیابان‌هایش (مکان‌های حفظ نام و یاد شهدا) و جنگل‌ها و تپه‌ها و کوه‌هایش (مکان‌های حفاظتی که دشمن سعی دارد آنها را از بین ببرد) در ارائه مضامین پایداری همچون توصیف واقعیت، تحسین مجاهدان و رهبران شهید انقلاب و ذکر دلاوری‌ها و فداکاری‌ها و تدابیر آنان در انجام مبارزات، نقش مهمی داشته‌است که نویسنده نه با ذکر جزئیات، بلکه به صورت کلی و ترسیم دورنمایی از این مکان‌ها، این نقش را یادآور شده‌است.

□ مکان‌های انتقالی چون گذرگاه مخفی (تونل) زندان، گذرگاه‌های مخفی و زیرزمینی شهر قسنطینه و نیز پل سیدی راشد به ترتیب در نشان دادن عناصر پایداری چون شجاعت رزمندگان و فرماندهان انقلاب و تدابیر آنان، طراحی تاکتیک‌ها و فن‌های جنگی به‌وسیله آنها و برپایی تظاهرات مردمی برای آزادسازی وطن از دست استعمار، کارکردی مناسب داشته‌اند.

□ مکان‌های دوگانه که دو مکان بسته اجباری و باز (زندان و در مقابل، شهرهای الجزایر به‌ویژه قسنطینه) را شامل می‌شود، نقش مهمی در ترسیم مفاهیم گسترده پایداری از جمله فداکاری انقلابیان، شکنجه و زندانی شدن آنها و به شهادت رسیدنشان در راه آزادسازی وطن دارد و در عین حال تقابل این مکان‌ها، تقابل محدودیت و آزادی عمل را نشان می‌دهد.

□ غالب مکان‌های مؤثر در ارائه مضامین پایداری در این رمان، مکان‌هایی برگرفته از واقعیت هستند که عبارتند از: الجزایر و شهرهای آن (همچون قسنطینه و سطیف)، زندان کدیا، خیابان طاهر عبدالمولی، پل سیدی راشد و بیمارستان حبیب ثامر در تونس.

□ مهم‌ترین عناصر پایداری ظهوریافته در انواع مکان‌های *ذاکرة الجسد* عبارتند از: وطن‌دوستی، حفظ یاد و خاطره شهدا، رهبران و فرماندهان انقلاب الجزایر با تبیین حماسه‌ها، دلاوری‌ها و شکنجه‌های واردشده بر آنان.

پی‌نوشت‌ها

۱. شارل آندره ژوزف ماری دوگل، ژنرال، سیاستمدار، نویسنده امور نظامی و رئیس‌جمهور پیشین فرانسه متولد ۱۸۹۰ است. دوگل بعد از کناره‌گیری از سیاست در سال ۱۹۴۷، مجمع عمومی مردم فرانسه را پایه‌گذاری نمود. وی پس از کودتای ۱۹۵۸ الجزایر به آنجا رفت و با تحقیق و بررسی فراوان، رأی خود را مبنی بر استقلال این کشور - درحالی‌که به‌شدت از سوی برخی گروه‌ها تحت فشار بود - اعلام کرد (ظریفیان صنعتکار، ۱۳۸۳: ۶۰).

۲. زندان گُدا از خاطرات اولین من است که گذر روزگار آن را محو نخواهد کرد. این ذهن من است که در مقابلش می ایستد و گام‌هایم را مجبور به توقف می‌کند. از نو وارد آن می‌شوم، چنان‌که آن روز از سال ۱۹۴۵ با پنجاه هزار نفر زندانی که بعد از تظاهرات غم‌انگیز ۸ می دستگیر شده بودند، وارد آن شدم.
۳. صدای عبدالکریم بن وطاف بود، که فریادهای شکنجه‌اش به سلول ما نیز می‌رسید؛ گویی خنجری بود که پیکر ما را نیز می‌شکافت و همان شوک الکتریکی را در جسم ما هم ایجاد می‌نمود.
۴. در سلول شماره ۸ که برای انتظار مرگ ساخته شده بود، سی نفر از رهبران انقلاب و نیک‌مردان آن، با دستان بسته منتظر اجرای حکم اعدام بودند که در میان آنها مصطفی بن بولعید و طاهر زبیری و محمد لایفا و ابراهیم طیب و باجی مختار و دیگران دیده می‌شدند.
۵. این همان جمله‌ای بود که پزشک یوگسلاویایی به من گفت؛ همان کسی که با برخی از پزشکان کشورهای سوسیالیستی برای معالجه مجروحان الجزایری به تونس (بیمارستان حبیب ثامر) آمده بود؛ کسانی که بر جراحی قطع کردن دستم و پیشرفت سلامتی و وضعیت روحی من بعد از عمل، نظارت داشتند.
۶. نمایشگاه تابلوهای هنری، کدامین لذت و یا آرامش را می‌تواند برای شهروند الجزایری که در آستانه انفجار، بلکه خودکشی قرار دارد، فراهم نماید؟ شهروندی که نه وقت فکر کردن دارد و نه فرصت لذت بردن.
۷. در یک زمانی، این سرودها را همگی در زندان قسنطینه سر می‌دادیم. [اما اکنون چه شده‌است؟! آیا امروز [پس از جنگ] صداهایمان گرفته‌است؟ یا از زمانی که این وطن فقط به برخی‌ها اختصاص یافته، صدایی، صداهای دیگر را تحت الشعاع قرار داده‌است؟
۸. شریف را دوست می‌داشتم. در او هیبت و حضور قسنطینه، بخشی از الجزایر اصیل و حافظه آن و خصوصیتی از طاهر وجود داشت.
۹. در برابر من جنگل درختان غار و بلوط کشیده شده‌است و قسنطینه درحالی که چادرشب قدیمی‌اش را به خود پیچیده‌است، به سمت من حرکت می‌کند. همه آن بیشه‌ها، تپه‌ها و گذرگاه‌های مخفی‌ای که روزی آنها را می‌شناختم و همچون کمر بند ایمنی قسنطینه را دربرمی‌گرفت، راه‌های منشعب و جنگل‌های مترکم که تو را به پایگاه‌های مخفی مبارزان می‌رساند، اینها و تمام راه‌های این شهر عربی به پایداری منتهی می‌شوند و کل جنگل‌ها و صخره‌ها در پیوستن به صف‌های انقلاب، بر تو سبقت می‌گیرند.
۱۰. تو این اسم را نخوانده‌ای، تنها آن را شنیده‌ای. آن، اسم خیابانی در الجزایر است به نام پدرش (طاهر عبدالمولی) که در جریان انقلاب شهید شد.
۱۱. همه چیز در آن روز برای مرگ آماده بود، تا جایی که صبح هنگام، آرایشگر زندانیان حقوق عمومی به فرمانده شهید مصطفی بن بولعید خبر داد که آنها دیروز گیوتین را شسته‌اند (آماده کرده‌اند) و وی در

خواب دیده‌است که حکم را اجرا کرده‌اند. این سخن دو معنی برای مصطفی بن بو‌العید داشت؛ وی از روزها قبل، نقشه فرار از زندان کدیا را طراحی می‌کرد. با دوستان خود از چند روز پیش شروع به حفر گذرگاهی مخفی در زیرزمین کرده بود، که آنها را در مرحله اول به میدان بسته در زندان برساند و سپس دوباره حفر کردن آن را آغاز نمودند تا به خارج از زندان برسند.

۱۲. زمانی که آن تظاهرات از روی پل سیدی راشد چنان‌که بلال حسین به دلایل تاکتیکی آن را برنامه‌ریزی کرده بود، به راه افتاد، به‌گونه‌ای که تجمع تظاهرکنندگان و نیز متفرق شدن آنان از تمام راه‌های منتهی به پل به آسانی صورت گیرد، نیروهای فرانسوی به خاطر دقت و ظرافت غیرقابل پیش‌بینی آن شگفت‌زده شدند. بلال اولین فردی بود که در آن روز دستگیر شد. بلال حسین مانند دیگران جان نباخت، دو سال را در زندان و شکنجه سپری کرد.

۱۳. حکم اعدام در مورد کسانی که در سلول انفرادی باقی ماندند، بدون اینکه بتوانند فرار کنند، اجرا شد. امروز از یازده نفری که از کدیا فرار کرده بودند، تنها دو نفر باقی مانده‌اند.

۱۴. پس از ۳۷ سال با دیوارهای زندانی برخورد می‌کنم که روزی از داخل، آنها را می‌دیدم.

۱۵. چهل و پنج هزار نفر در تظاهراتی که شرق الجزایر از جمله قسنطینه، سطیف، قالمه و خراطه را تکان داد، شهید شدند.

کتابنامه

الف) منابع فارسی

آسابرگر، آرتور (۱۳۸۰)، روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره، چاپ اول، مترجم: محمدرضا لیراوی، تهران: سروش.

خاورشناسان شوروی (۱۳۵۶)، تاریخ معاصر کشورهای عربی، مترجم: محمدحسین روحانی، تهران: کوس.

شکری، غالی (۱۳۶۶)، *أدب المقاومة*، مترجم: محمدحسین روحانی، تهران: نشر نو.

ظریفیان صنعتکار، بهنام (۱۳۸۳)، *دنیای مشاهیر*، تهران: فارابی.

قادری، فاطمه (۱۳۸۹)، *سیری در تحول ادبیات معاصر الجزایر*، چاپ اول، تهران: دانشگاه یزد.

ولک، رنه (۱۳۷۳)، *نظریه ادبیات*، مترجمان: ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چاپ اول، تهران: علمی.

ب) منابع عربی

- بجراوی، حسن (۱۹۹۰)، بنية الشكل الروائي: الفضاء، الزمن، الشخصية، بيروت: المركز الثقافي.
- جبيلة، الشريف (۲۰۱۰)، بنية الخطاب الروائي (دراسة في روايات نجيب الكيلاني)، الطبعة الأولى، اردن: عالم الكتاب الحديث.
- جماعة من الباحثين (۱۹۹۸)، جماليات المكان، الطبعة الاولى، باندوق: دارالبيضاء.
- الدليمي، نجم (۱۹۹۹)، المكان في النص المسرحي، الطبعة الاولى، اردن: دار الكندة.
- روحي الفيصل، سمر (۱۹۹۵)، بناء الرواية العربية، الطبعة الاولى، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- _____ (۱۹۹۵)، معجم الروائيين العرب، الطبعة الأولى، بيروت: دارالكتب.
- شرف، عبدالعزيز (۱۹۹۱)، المقاومة في الادب الجزائري المعاصر، الطبعة الأولى، بيروت: دارالجميل.
- عبيدي، مهدي (۲۰۱۱)، جماليات المكان في ثلاثية حنا مينة، الطبعة الاولى، دمشق: وزارة الثقافة.
- فوكو، ميشيل (۱۹۹۰)، المراقبة و المعاقبة، ولادة السجن، مترجم: علي مقلد، چاپ اول، بيروت: مركز الانماء القومي.
- محبك، احمدزياد (۲۰۰۱)، دراسات نقدية من الاسطورة الى القصة القصيرة، الطبعة الاولى، دمشق: دار علاءالدين.
- مستغامي، أحلام (۲۰۰۰)، ذاكرة الجسد، الطبعة الخامسة عشرة، بيروت: دار الآداب.
- مؤيد، صلاح (بی تا)، الثورة في الأدب الجزائري، الجزائر: مكتبة الشركة الجزائرية.
- النابلسي، شاکر (۱۹۹۴)، جماليات المكان في الرواية العربية، الطبعة الاولى، بيروت: المؤسسة العربية.
- هلسا، غالب (۱۹۸۹)، المكان في الرواية العربية، الطبعة الأولى، دمشق: دار ابن هاني.

پ) پایان نامه ها

- سامية، حامدی (۲۰۰۸)، شعرية النص الروائي في رواية ذاكرة الجسد لأحلام مستغامي، باتنه، جامعة الحاج لخضر.
- قارة، فلة و لكحل، ليندة (۲۰۱۱)، بناء الشخصية و المكان في رواية ذاكرة الجسد لأحلام مستغامي، قسنطينة، جامعة منتوري.

ت) مقالات

- اصغري، جواد (۱۳۸۸)، «بررسی زیباشناسی عنصر مکان در داستان»، نشریه دانشگاه کرمان، شماره ۲۶.

حرری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، «مؤلفه‌های زمان و مکان روایی در قصص قرآنی»، ادب پژوهی، شماره ۷ و ۸، صص ۱۴۱-۱۲۵.

زاهدی قمی، میرزا ابوالفضل (۱۳۳۱)، «سقوط غرناطه»، نشریه مجموعه حکمت، شماره ۴، ص ۷.
مفقوده، صالح (۲۰۰۰)، «قسنطینه و البعد الحضاری للمکان فی روایة ذاکرة الجسد»، مجلة العلوم الانسانية، منشورات جامعة منتوری، قسنطینه، العدد الثالث عشر.

نبی‌لو، علیرضا (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل عناصر داستانی فرائد السلوک»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۳، صص ۹۷-۱۱۶.

«تاریخ غم‌انگیز سرزمین اندلس» (۱۳۸۸)، <http://histori.rozblog.com/post/11>

وظيفة مكان القصة في إظهار عناصر المقاومة (رواية ذاكرة الجسد لأحلام مستغانمي نموذجاً)

صديقه زودرنج*^١، ابوذر گلزار خجسته^٢

١. استاذة مساعدة في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة بوعلی سینا

٢. مدرّس في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة العلوم التطبيقية أسدآباد

الملخص

أدب المقاومة يعبر عن الآلام والمعاناة التي نزلت على شعب في فترة من الزمن. التعرف على عناصر المقاومة وكيفية تأدية الوظيفة لعنصر المكان في تقديم هذه المظاهر وأيضاً علاقة هذه المظاهر بالمكان القصصي وتأثير بعضها على الآخر، أمر هام جداً. كتأب الروايات ولا سيما روايات المقاومة إهتموا بالمكان في آثارهم الفنية إهتماماً بالغاً بشكل أصبح للمكان في آثارهم دوراً ممتازاً ومؤثراً على الأحداث والشخصيات. رواية «ذاكرة الجسد» لأحلام مستغانمي (١٩٥٣) الكاتبة الجزائرية مليئة بالأماكن المتنوعة. هذا المقال يحاول أن يتطرق الى كيفية تأدية الوظيفة لأنواع المكان (المكان المفتوح، المكان المغلق، أمكنة الانتقال، الثنائيات المكانية) في إظهار مظاهر المقاومة للشعب الجزائري في هذه الرواية بالمنهج الوصفي التحليلي. نتائج البحث تشير إلى أنّ المكان المغلق الجبري ولاسيما سجن الكديا (في الأماكن المغلقة) وقسنطينة مع أمكنتها المختلفة (في الأماكن المفتوحة) لهما دور هام في إيضاح مظاهر المقاومة. أهم عناصر المقاومة التي برزت في أنواع الأمكنة في رواية ذاكرة الجسد هي: حب الوطن، و محافظة ذكريات الشهداء و زعماء الثورة الجزائرية، و ذكر تعذيبهم.

الكلمات الرئيسية: المقاومة؛ المكان؛ ذاكرة الجسد؛ أحلام مستغانمي.

